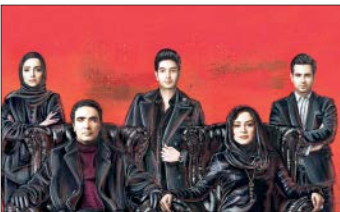




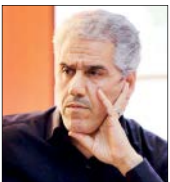
نگاه

## مانکن لعاب‌دار

طاهره‌آشپانی مگر می‌شود يك روزنامه‌نگار باشد! مانكن را می‌گويم. سريالی كه برای پخش از شبکه‌نمایش خانگی ساخته شده و تاكنون ۲۰ قسمت از آن به مخاطبان عرضه شده‌واين را هم بگويم كه اين سريال خیلی بد يکی از پربيننده‌ترين سريال‌های شبکه‌نمایش خانگی است. البته چند سالی است كه سينما و سريال‌های شبکه‌نمایش خانگی (به‌جز شهرزاد) نشان داده‌اند كه فروش بالا و بيننده و مخاطب زياد نشان‌دهنده‌كيفيت بالای سريال نيست. وقتی سريال مانكن را تماشا می‌كنم آن هم با دور تند، به خودم می‌گويم الان سيم‌كشی مغزم چطوری است كه دارم سطحی‌ترين و كم‌ارزش‌ترين اثر تاريخ عمرم را تماشا می‌كنم. آن هم با دور تند كه فقط ببينم چی به چی می‌شودا راستش را بخواهيد يکی از دوستان نزديك از من خواسته سريال را ببينم و نظرم را به او بگويم! در رودربايستی سختی قرار گرفتم، پنج قسمت اول سريال راديدم، با دور معمولی و با دقت. به نظرم فيلمنامه‌اش گرهِ‌های خوبی داشت كه می‌توانست قصه را سرپا نگه‌دارد. از همان قسمت‌های اول و دوم بود كه كلاز كارگردانی نااميد شدم. حسين سهيلي‌زاده سال‌های زيادی وقت داشته با ساخت سريال‌های تلویزیونی سياه‌مشق‌هايش را تمام كند و حالا ديگر بايد برای خودش كارگردان صاحب سبکی باشد، همان طوركه سيروس مقدم شد و الان امضایش پای كارهايش هست. اما گویا استعداد را نمی‌توان نادیده گرفت. سهيلي‌زاده استعداد كارگردانی ندارد، اصلا سيم‌كشی مغزش به گونه‌ای نيست كه بتواند در زمان دكوپاژ و نمايندی و ارائه ميزاسن كمكش كند. دوربين را می‌گذارد و به فيلمبردار می‌گويد شروع كند در حالت خنثی‌ترين نوع دكوپاژ تخت‌وب‌و‌ی‌و.



او حتی نمی‌تواند از بازیگرانش بازی درست و درمانی بگیرد. می‌گويد: صدا، دوربین، اكشن… بازیگر بهم دون هیچ تحلیلی از نقش و داستان به اصطلاح مثل ماست و ارفته می‌آيد مقابل دوربین و رد می‌شود و می‌رود و بزرگ‌ترين کاری كه می‌كند مثلاً با چشم و ابرویش بازی می‌كند!ر به بازی نازبين بیاتنی و لينداكیانی دقت كنيد). معمروضا فروتن كه روزی روزگاری مثلاً سوپرستار بود هم چون می‌خواهد بعد از سال‌ها كه توانسته نقش اول يك سريال را بگیرد و همچان زده شده‌كه خودی نشان دهد چون كارگردان از فنون بازیگری چیزی بلد نيست، بازی غلوشده‌ای ارائه می‌كند كه فقط بايد چشمانت را ببندی تا مثلاً وقتی او چشمانش را می‌درد نگاه می‌كند!ر ببینی… من بنا به رودربايستی بايك دوست مانكن را تماشا می‌كنم، بيشترش را با دور تند چون نه ديا‌لُوگی دارد كه از دستش بدهم نه ديگر قصه پيچيدگی دارد كه از دستش بدهم. بازیگران خانم باآرایش‌های تند و غليظ (نه گريم) مقابل دوربین لب و چشم كج می‌كنند و مثلاً بازی می‌كنند و بازیگران مرد هم كه به هرحال دستمزدهای خوبی گرفته‌اند و سريال هم كه دارد خوب می‌فروشد و ايرج محمدي پول خوبی به جيب زده و حسين سهيلي‌زاده هم كه دارد اولين فيلم سينمایی‌اش را كارگردانی می‌كند، يك فرمول است كه چند سالی است مردم به يك‌ديگر یادآوری می‌كنند: همه چیزمان به هم می‌آيد. وقتی مردم دارند سريال مانكن را تماشا می‌كنند و شبكه‌نمایش خانگی، توزیع‌كننده سريال (دی‌وی‌دی و اينترنتی) از فروش آن راضی‌اند و می‌گويند بيشتر از تصوراتمان سود كرده‌ام، حالا من بيايم اينجا بنويسم سيم‌كشی مغزمان چطوری شده كه مانكن می‌بينيم؟! البته در اين ميان فقط بايد به مريلا زارعی دست‌مريزاد گفت كه با همه كم‌و كاستی‌های سريال بازی قابل قبولی ارائه كرده گویا تنها كسی در اين سريال است كه سابقه بازیگری‌اش برايش مهم است، او در يك مجموعه بد تا جایی كه توانسته خوب ظاهر شده.



### توضیحات فرجی درباره اکران نشدن برخی فیلم‌ها

سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره اطلاعیه برخی صاحبان آثار برای اکران نشدن به احترام جانباختگان هواپیمایی اوکراینی توضیح داد.

آن طور که ایلنا گزارش داده، سازندگان برخی فیلم‌های سینمایی در حال اکران در فضای مجازی اعلام کردند از سینماداران خواسته‌اند به احترام جانباختگان



يك تير و دو نشان؛ اگر گذر تان به بزرگراه مدرس جنوب افتاد بيلبور د تبليغاتی دو سريال شبكه‌نمایش خانگی «دل» و «مانكن» را می‌بينيد

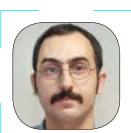
**عكس؛**

چاوش هماوندی جام چم



### آیا سريال‌های شبکه‌نمایش خانگی دل و مانكن، واقعاً آثاری عاشقانه هستند؟

# زندگیتو آن چنانی کن!



علی‌رستگار

سينما

در همین تصاویری هم كه از اين دو سريال در اين بيلبور د تبليغاتی استفاده شده، اتفاقاً نشانی از عشق سرراست و دوست داشتن سربه راه مشاهده نمی‌شود؛ از سريال مانكن تصاویری از محمدرضا فروتن و نازنين بیاتنی انتخاب شده كه اصلاً رابطه عاشقانه‌ای در سريال ميان آنها برقرار نيست و شخصيت اخگر (فروتن) به چشم طعمه به شخصيت همتا (بیاتنی) نگاه می‌كند. آن طرف هم شخصيت‌هایی كه يكتا ناصر و حامد بهداد در دل بازی می‌كنند، تا اينجا كه رابطه عاشقانه‌ای با هم ندارند و تنها با توجه به نگاه‌های غيرعادی‌آوا (ناصر) به آرش (بهداد) می‌توان پی برد او علاقه‌ای پنهان به آرش دارد، آن هم حتی زمانی كه آرش قرار بود با خواهر آوا یعنی رستا ازدواج كند.

در واقع با علم به اين موارد و فضای کلی شيك و اشرافی و روابط مشكوکی كه چندان پایه درست عاشقانه ندارند در اين دو سريال و برخی ديگر از مجموعه‌های شبكه‌نمایش خانگی، حالا نگاه دوباره به «زندگيتو عاشقانه كن!» به شكل ديگری قابل برداشت و تاويل و تفسير است. شايد خود دوستان تبليغ كننده و سازنده و پخش كننده اين آثار هم از ميزان عشق و عاشقی‌های نه چندان جدی اين سريال‌ها باخبرند كه آن علامت تعجب را آخر جمله تبليغاتی شان كاشته‌اند.

#### عشق‌های مانكنی

سريال مانكن، ساخته حسين سهيلي زاده چطور شروع می‌شود؟ اگر يادتان نيست و بگوويد چطور ۲۰ قسمت قبلی را يادمان باشد، عرض می‌كنيم خدمتتان. كاوه و همتا، شاد و عاشقانه يك با لن آرزوهای قرمز رنگ را كه شكل قلب دارد، به آسمان می‌فرستند، اما در ادامه كاوه صحبت از رفتن و جدایی می‌كند و به معشوقه‌اش می‌گويد: «من چي كار كنم كه فراموشم كنی؟!» جلوتر كه می‌رويم، متوجه می‌شويم اين كات كردن و اتمام رابطه عاشقانه، قرار است منجر به ازدواج (هرچند صوری) كاوه با زنی به نام كاتيون شود. در واقع اگر به آن شعار زندگيتو عاشقانه كن! رجوع كنيم، اين سريال در همان قسمت اول، فاتحه عاشقانگی را می‌خواند و به هر بهانه‌ای از جمله ازدواج صوری و به قصد نجات پدر بدهكار كاوه از زندان

سقوط هواپيمای اوکراینی آثارشان در سينماها به نمایش درنيايد.

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش با اشاره به اين كه همه ما از اين حادثه ناراحت و داغدار هستيم، گفت: اين كه برخی صاحبان آثار سينمایی بر اساس تصميم شخصی خود اعلام كردند سينماها فيلم‌هايشان را نمايش

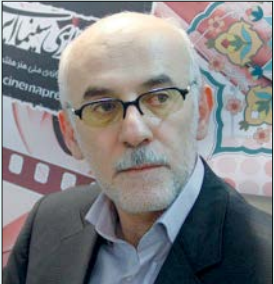
ندهند، درست نيست و نمی‌تواند امكان پذير شود.

او ادامه داد: هرگونه تصميم درباره اکران فيلم‌ها ي عدم اکران آنها بايد از طريق مجاری شورای صنفی نمایش و همچنين با تايد وزارت ارشاد انجام شود تا نظم امور از بين نرود.

### به امید غافلگیری

#### مكث

برای صحبت درباره برخی نقدهای مطرح شده پيرامون بعضی از سريال‌های شبكه‌نمایش خانگی، سراغ سعيد رجبی فروتن، از مديران و كارشناسان اين مديوم‌نمایشی رفقيم كه شخصیتی منصف و دست به قلم است و اهل سينما يادداشت‌هايش را با عنوان «روزانه‌های سينمایی» پيگیری می‌كنند.



سعيد رجبی فروتن درباره فضای شيك و اشرافی برخی سريال‌های شبكه‌نمایش خانگی به جام چم گفت: گاهی قضاوت و داوری ما حول و حوش يکی دو كار خاص است و درباره مباحث زیبایی‌شناسی و محتوایی آن كارها صحبت می‌كنيم. گاهی هم اين قضاوت و داوری درباره مجموع محتوایی است كه شبكه‌نمایش خانگی توليد می‌كند. اگر روی بحث دوم متمرکز

شويم و در ارزیابی کلی در مجموعه سريال‌هایی كه در شبكه‌نمایش خانگی توليد و بارگذاری شده، به اين استنباط برسيم كه غلبه داستان‌ها و فيلم و سريال‌هایی با فضای اشرافی و چیزی شبیه اين است و می‌توان مختصات مشترکی را ميان همه آنها يافت. آن موقع جای تعمق و تانی وجود دارد و اگر مثلاً اين فضا در تعارض با فرهنگ رسمی و هنرها و عرف ماست، بايد به آسیب‌شناسی پيرداريم و ببينيم علت اين گرایش سريال‌سازان و فيلمنامه‌نويسان به اين فضا چيست. اما اگر به‌طور موردی، يکی دو سريال در چنين فضایی روايت می‌شوند، بهتر است آن را به كليت مجموعه شبكه‌نمایش خانگی تعميم ندهيم. همچنين ضمن اين‌كه نظر منتقد و مخاطب قابل اعتنا و احترام است، از آن سمت بايد پاسخ توليدكنندگان و نويسندگان آثار را هم دريافت.

منوچهرهادی، كارگردان دل، اخيرا در پاسخ به انتقادات به فضای اشرافی سريال گفت: چرا به اين نگاه نمی‌كنيم كه خیلی‌ها يا ديدن اين سريال، حداقل رويای خودشان را می‌بينند و همین يك انگيزه برای آدم‌هاست كه به لحاظ مالی و اقتصادی دلشان بخواهد پيشرفت كنند. چرا مردم نبايد حق داشته باشند روياهيشان را در قالب فيلم و سريال ببينند؟

وقتی اين ليليل را با رجبی فروتن مطرح كرديم، توضيح داد: به هرحال ما سينما و صنعت تصوير را به عنوان پديده‌ای می‌دانيم كه می‌تواند برای ما روي‌آفرینی كند. برخی معتقدند خلق يك طاهر شيك در آثار نمايشی، ممكن است برای برخی تماشاگران خوشايند باشد. ضمن اين‌كه در نظر گرافيکی و بصری هم اثر را خوش آب و رنگ می‌كند. همین انتقاد را در نقطه مقابل می‌توانيم درباره آثاری مطرح كنيم كه سياه‌نمایی می‌كنند و در ترسيم فضاهای فقيرانه دست به افراط می‌زنند. به نظر می‌آيد شايد برای قضاوت درباره يکی دو سريال از اين دست كه در فضاهای شيك می‌گذرند، زود باشد و بايد منتظر پايان اين آثار باشيم؛ آثاری كه برای سنجش ذائقه مخاطب توليد شده‌اند. بحث ديگر اين‌كه زيست آدم‌هایی كه در چنين فضایی شاهد قصه آنها هستيم چندان توام با آرازش درونی و باطنی نيست و مشكلات خاصی دارند كه آن زیبایی ظاهری را خوشايند جلوه می‌دهد.

او در پاسخ به اين سوال كه آیا واقعا موضوع ديگری به جز مسائل عشقی و خيانت‌محور و روابطی از اين دست وجود ندارد كه نويسندگان سريال‌ها سراغ آن بروند نيز گفت: تها هم موضوعاتی مثل عشق و خيانت و مواردی از اين دست، شالوده و نقطه اتكای خلق بسياری از آثار دارماتيك سينما بوده است. نفس پرداختن به چنين سوزه‌ها و قصه‌هایی بد نيست و می‌تواند منجر به خلق آثاری قابل توجه شود، اما اشكال اين است اگر خواهيم از اين سوزه‌ها و موضوعات، استفاده ابزاری كنيم، يکی از دلايل ضعف‌های برخی از اين آثار اين است كسانی كه دست روی اين موضوعات می‌گذارند، بضاعت و توانایی لازم را برای ادای مطلب به شكل درست ندارند و باعث می‌شود آثار تنها به عنوان كارهای عامه پسند صرف شناخته شوند. البته اين‌گونه‌آثار هم در طيف متنوع فيلم‌سازی و سريال‌سازی ايران و جهان وجود دارد و نمی‌توان اين واقعيت را نادیده گرفت و خیلی‌ها در پرداختن به اين موفيت‌ها خلاقانه برخورد نمی‌كنند يا حداقل طرح نوبی ارائه نمی‌دهند و روايت و زاويه ديد متناسبی را به مخاطب عرضه نمی‌كنند و باعث می‌شود كار در حد عوام متوقف و محدود بماند.

رجبی فروتن ادامه داد: البته محدوديت سوزه‌ها و موضوعات هم وجود دارد و اين مساله دامنگیر تلویزیون و سينما و شبكه‌نمایش خانگی است كه بخشی از آن به سياست‌های ميميزی برمی‌گردد و برخی هم ريشه در كم‌کاری، مطالعه نداشتن و دنبال نكردن جريان‌های ادبی ايران و جهان و رصدنكردن فيلم و سريال‌های روز دنيا دارد. اگر دامنه مشاهدات و مطالعات فيلمنامه‌نويسان و فيلمسازان ما وسيع و گسترده‌تر باشد، می‌تواند به خلق آثار متفاوتی منتهی شود. منكر برخی روايت‌های نوباشم، اما به نظر می‌رسد غلبه با ساخت‌آثاری است كه حداقل غافلگیری را برای ما به همراه ندارد و معمولا می‌گويم اين هم يکی مثل بقيه و اثری نيست كه در ذهن مخاطب، ماندگار باقی بماند. اما هميشه كارهایی كه خلاف عرف عمل كردند و ترجمان هنرمندانه موفيت‌ها را مدنظر قرار دادند، از سوی مخاطبان و منتقدان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

#### كايidan اينجا، كايidan اونجا

اگر سريال‌های دل و مانكن در فضای شيك و اشرافی و برخی روابط به ظاهر عاشقانه تا حدود زيادی شبیه هم به نظر می‌رسند، دليل آن نويسنده مشترك آنها بابك كايidan است. كايidan در مانكن، خودش به نتهايش نگارش فيلمنامه را به عهده داشته و در دل هم همراه ميثم كايidan، فيلمنامه را نوشته است. اگرچه شايد متن اين فيلمنامه‌ها چندان به مذاق برخی تماشاگران و مخاطبان جدی‌تر سينما خوش نيايد و نقدهایی به آنها وارد باشد، اما نمی‌توان آن‌سوی ماجرا را هم نديد. كايidan با فيلمنامه اين سريال‌ها و آثار ديگری چون رحمان ۱۴۰۰، تگراس و آينه بغل، نشان داده رگ خواب مخاطبان عام سينما را در دست دارد و می‌داند چگونه فيلمنامه‌های پرفروش و پرمخاطب بنويسد. او دانش‌آموخته رشته ادبيات نمايشی از دانشكده هنر و معماری است.

#### عاشقانه برعكس

ترانه‌های تيتراهای دل و مانكن هم جالب و قابل اشاره است و باوجود ادعای عاشقانه، دست كم مسيری كه در شعر و متن انتخاب كرده‌اند، يك عاشقانه سرراست نيست و حتی با عشق و عاشقی نامهربانی می‌كنند. در تيتراژ اوليه دل، با اين‌كه خواننده می‌خواند از بی عشق بودن در خطر است و اين وضع او را بی بال و پر كرده، اما در عين حال همان اول كاری، می‌گويد: حكم دل است كه مشكل است بين من و تو. در واقع اگر به خود سريال تا اينجا نگاه كنيم، بيشتر از زور عاشقانه تيتراژ همان مشكلش را بيشتر ديده ايم و آن‌سوی عشق را.

تيتراژ اوليه مانكن هم كه عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشكل‌ها را (امروزی و جوان‌پسندتر برگزار كرده و حكايت از جوری تاوان عاشقانه دارد؛ هرقدر طلبكار عشقش شدم، دورتر می‌شد/ انگار واسه مرگ اين عشق، همه چی جورتر می‌شد.



سريال دل، ساخته منوچهرهادی چطور شروع می‌شود؟ آرش و رستا با دل و قلوبه دادن و رد و بدل كردن انواع و اقسام جملات عاشقانه و ابراز عشق، وارد آپارتمان شيکی می‌شوند با چاده گل سرخ و بعدش هم كليدهای آپارتمان را در دست‌انشان می‌بينيم كه حرف اول اسم‌های همدیگرو روی آنها حك شده است، اما در ادامه عاشق قديمی رستاخانم، مهران، سروكله اش در آرايشگاه پيدا می‌شود و عروس غيب می‌شود. چندی بعد البته پيدا می‌شود، اما به شكل عجيب و غريب و غيرقابل باوری، حاضر نيست دليل غيبت خود و برهم زدن مراسم ازدواج را بيان كند. وقتی آرش بعد از کلی نگرانی و تلاش برای يافتن عروس، از رستا می‌پرسد دلت پيش‌كس ديگه ايه؟

رستا جواب می‌دهد: «از اين لحظه به بعد حق نداری چیزی از من پرسی، منم وظيفه خود نمی‌دونم به سوالات جواب بدم! بعدم برو، واينستا اينجا!» انگار نه انگار كه بايد توضیحي منطقی برای برهم زدن آن عشق اوليه كه ديده ايم، وجود داشته باشد. لحن